



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان

رابطه‌ی تکنولوژی اطلاعات و سیاست در پارادایم‌های انتقادی فلسفه‌ی

سیاسی

استاد راهنما

دکتر احمد خالقی دامغانی

استاد مشاور

دکتر جهانگیر معینی

دانشجو

۱۳۸۸ / ۷ / ۱۶

روح اله اسلامی

کتابخانه و اسناد مرکز علمی پژوهشی  
تهران

کارشناسی ارشد علوم سیاسی

تابستان ۱۳۸۸

۱۲۱۸۳۶



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی علوم سیاسی  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : روح اله اسلامی شعبه

در رشته : علوم سیاسی : گرایش :

با عنوان : رابطه تکنولوژی اطلاعات و سیاست در پارادایم های انتقادی فلسفه سیاسی

را در تاریخ : ۸۸/۶/۲۳

۱۳۸۸ / ۷ / ۱۶

به عدد	به حروف
۱۹	نوزده

با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

عالی

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم ( حسب مورد ):	دکتر احمد خالقی	استاد یار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر جهانگیر معینی	استاد یار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور ( یا استاد مشاور دوم )	دکتر عباس مصلی نژاد	استاد یار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر عبدالرحمن عالم	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .



به نام خداوند جان و خرد

با سپاس فراوان از

دکتر خالقی و دکتر معینی جهانگیری که لطفشان

و خانواده ام که یاریشان

و فاطمه که مهرش

ننوشته های این رساله است.

## فهرست

### مقدمه و مبانی نظری..... ۶

بیان مسئله..... ۸

تکنولوژی اطلاعات..... ۸

سیاست..... ۱۲

رابطه ی تکنولوژی اطلاعات و سیاست..... ۱۴

روش شناسی..... ۱۷

ادبیات موضوع..... ۲۲

### فصل اول پارادایم انتقادی همدلانه..... ۲۴

مقدمه پارادایم انتقادی همدلانه..... ۲۵

رویکرد کلاسیک..... ۲۶

مبانی..... ۲۶

الوین تافلر..... ۳۱

دانیل بل..... ۳۴

آنتونی گیدنز..... ۳۸

دیوید هلد..... ۴۱

امنیت اطلاعاتی..... ۴۵

جنگ اطلاعاتی..... ۴۶

۵۰	.....دولت الکترونیک
۵۴	.....حکمرانی خوب
۵۷	..... <b>رویکرد جدید</b>
۵۷	.....مبانی
۶۵	.....دموکراسی سایبر
۶۸	.....جامعه مدنی مجازی
۷۰	.....دیپلماسی دیجیتال
۷۳	..... <b>رویکرد فمینیستی</b>
۷۴	.....حوزه‌ی عمل
۷۷	.....حوزه‌ی فلسفه
۸۲	.....حوزه‌ی علمی

## فصل دوم پارادایم انتقادی میانه.....۸۷

۸۸	.....مقدمه پارادایم انتقادی میانه
۹۰	..... <b>رویکرد تجدیدنظر طلب</b>
۹۱	.....روش شناسی
۹۲	.....تکنولوژی اطلاعات ، عصر اطلاعات ، جامعه شبکه‌ای
۹۴	.....تکنولوژی اطلاعات ، سیاست
۱۰۰	..... <b>رویکرد انتقادی</b>
۱۰۱	.....یورگن هابرماس
۱۰۵	.....مدرنیته پروژهای ناتمام

۱۰۸..... سرمایه داری متاخر، جهانی شدن، بحرانها

۱۰۹..... تکنولوژی اطلاعات و مهندسی ژنتیک

۱۱۰..... تکنولوژی اطلاعات - حوزه‌ی عمومی

۱۱۵..... فوکویاما

**۱۲۰..... رویکرد محافظه کاری**

۱۲۲..... محافظه کاران فلسفه سیاسی

۱۲۶..... محافظه کاران علمی

۱۲۸..... محافظه کاران جهان سومی

**۱۳۶..... رویکرد عمل گرایانه**

۱۳۹..... عمل گرایی پسامدرن قاره‌ای

۱۴۴..... عملگرایان لیبرال

۱۵۲..... عمل گرایی پسامدرن انگلوساکسنی

**۱۵۵..... فصل سوم پارادایم انتقادی رادیکال**

۱۵۶..... مقدمه پارادایم انتقادی رادیکال

**۱۵۷..... رویکرد پدیدارشناسی**

۱۶۹..... هوسرل

۱۶۱..... پدیدارشناسی علمی توصیفی هوسرل

۱۶۳..... هایدگر

۱۶۵..... فلسفه‌ی تکنولوژی، پرسش از تکنولوژی

۱۶۷..... پدیدارشناسی رابطه تکنولوژی اطلاعات با سیاست

**۱۷۲..... رویکرد نئومارکسیستی**

جهان انفورماتیک..... ۱۷۶

امپریالیسم سایبر..... ۱۷۹

جهان امپراطوری..... ۱۸۱

رویکرد پسامدرنیسم..... ۱۸۹

جامعه‌ی انضباطی..... ۱۹۰

جامعه‌ی کنترل‌ی..... ۱۹۵

جامعه‌ی پسامدرن..... ۱۹۷

## خاتمه و نتیجه گیری..... ۲۰۳

(۱) - منطق انتقادی مثبت و همدلانه نسبت به رابطه‌ی تکنولوژی اطلاعات و سیاست.. ۲۰۵

(۲) - منطق انتقادی میانه نسبت به رابطه‌ی تکنولوژی اطلاعات و سیاست..... ۲۰۷

(۳) - منطق انتقادی منفی و بدبین نسبت به رابطه‌ی تکنولوژی اطلاعات و سیاست..... ۲۰۹

## فهرست منابع..... ۲۱۴

منابع فارسی..... ۲۱۴

منابع انگلیسی..... ۲۲۹

## چکیده فارسی و انگلیسی..... ۲۳۴

مقدمه

و

مبانی نظری



## بیان مسئله

در پی انقلاب تکنولوژیک که به صورت پیدایش تلفن همراه، ماهواره‌ها، رسانه‌ها، کامپیوترهای پیشرفته، اینترنت و علوم و فنون جدید اطلاعاتی نمایان شد، روابط انسانی دست خوش تغییرات بنیادی گردید. به اعتقاد فرانک وبستر (Frank Webster) «جهان امروز به لحاظ تجربه کردن اطلاعات بی سابقه است و ما در دوره ای انتقالی به سر می‌بریم که در آینده به تغییرات عمیقی در زندگی مان ختم خواهد شد» (Webster, 2001:1). روند تکامل کمی و کیفی رادیو و تلویزیون، ماهواره و اینترنت ... باعث شده است به عصر اعداد و ارقام کامپیوتری قدم بگذاریم که از عصر صنعت گرایی و سرمایه داری دولت - ملت محور متمایز است (کاستلز، ۱۳۸۰: ج ۲: ۲۹۸). در این تکامل جهشی که «انقلاب اطلاعات» نام دارد، شاهد مهندسی خرد و کلان تحولات به وسیله سیستم‌های الکترونیک و اطلاعاتی هستیم. نقطه‌ی عطف این تحولات در دهه‌ی ۱۹۷۰ روی داد که با تکنولوژی حیات نیز پیوند دارد. اولین موج این اثرگذاری، روندی را شکل داد که به رواج بهره‌وری متکی بر دانش، و سرمایه داری اطلاعات محور انجامید. این روند در طی تکامل اطلاعاتی خویش، به نهادها و سازمان‌هایی تبدیل می‌شود که در مجموع، فرهنگ جامعه‌ی شبکه‌ای را شکل می‌دهند. کاستلز از این تحول با عنوان حرکت از جهان گوتنبرگ به دنیای مک لوهان یاد می‌کند. در این تحول فرهنگ رسانه‌های جمعی، یعنی رسانه‌هایی با مخاطبان انبوه و متنوع و ارتباطات کامپیوتری، به جهت سوق دهی جوامع مجازی و منظومه‌های اینترنتی به سمت فضاهای تعاملی و شکل‌گیری محیط‌های نمادین و مجازی پیش می‌رود. در این عصر آنچه که بشر فکر می‌کند امکان می‌یابد، در فضایی غیر مادی تبدیل به واقعیتی خارق‌العاده گردد. این اثرگذاری نه در منطق مکانیک سه بعدی، بلکه در نمادهای مجازی و دال‌های موجود در ذهن آدمی شکل می‌گیرد. امکان‌های تکنولوژی اطلاعات در قالب محیط‌های سایبر و شکل‌گیری جوامع شبکه‌ای، سیاست را نیز دستخوش تغییرات بنیادین می‌کند. تاثیر این تغییرات به گونه ای است که می‌توان عرصه‌ی تحلیل سیاست را به قبل و

بعد از پیدایش تکنولوژی اطلاعات تقسیم نمود. تحلیل بسترهای علوم سیاسی در قبل از پیدایش تکنولوژی اطلاعات، حالت توصیفی و هنجاری مبتنی بر اخلاق واره‌های انسانی دارد (مثل افلاطون و راولز). پس از انقلاب تکنولوژی اطلاعات، علوم سیاسی حالتی ساختاری پیدا کرد. دیگر برای بحث از آزادی، عدالت و بسیاری دیگر از فضیلت‌های سیاسی تنها تکیه بر سوژه‌های انسانی کارآمد نیست و وجوه ساختاری اطلاعاتی جدید نیز باید در تحلیل سیاست مورد توجه قرار گیرد. به گونه‌ای که نادیده گرفتن آن قلمرو سیاست را بسیار تخیلی و غیر واقع بینانه می‌سازد. بر همین اساس دیگر نمی‌توان در فلسفه‌ی سیاسی این دگرگونی ناگهانی را نادیده گرفت. شرح و بسط قدرت و مفاهیم کلاسیک فلسفه سیاسی اکنون به شکلی به روز آمد و بسیار پرسرعت غایت و نمودهای روزمره‌ی سیاسی انسانها را متحول کرده‌اند. سوال اصلی این نوشتار شرح و بسط پرسشها و دغدغه‌های پیش روی انسان از منظر فلسفه‌ی سیاسی در این عصر است. پرسش‌هایی که پیوسته پاسخ‌های گوناگونی در آثار اندیشمندان حوزه‌های مختلف می‌یابد. در این نوشتار که به صورت سه فصل انتقادی نوشته شده است، ابتدا هر پارادایم به چند رویکرد درونی تقسیم می‌شود. هر رویکرد دارای پایه‌های معرفتی خاص و عقلانیتی است که شرح داده خواهد شد. در قالب رویکردهای درونی نوع خاصی از برجسته‌سازی تکنولوژی اطلاعات و سیاست انجام می‌گیرد. سپس هر رویکرد ارتباط تکنولوژی اطلاعات و سیاست را شرح داده و در پایان منطق کلی خود را بیان می‌کند.

## تکنولوژی اطلاعات

در تکنیک، عرصه‌ی عملی، فنی و توانایی دم دست بشر متفاوت از عقلانیت نظری است (رک: خالقی، ۱۳۸۲: ۲۱۸). هزیود، شاعر یونانی، در حدود هشتصد سال قبل از میلاد رساله‌ای نوشت به نام "کارها و روزها" و در آن بر وجه فنی و مهارتی این گونه از عقلانیت تاکید کرد (بل، ۱۳۸۲: ۱۳). این عقلانیت در قالب ساختن چیزها به منظور بکارگیری و با نگاه فایده‌گراانه و ابزارری، همواره

زندگی روزمره‌ی انسان‌ها را سامان داده است (همان: ۱۴). تکنولوژی به عنوان دانش این تکنیک، به بررسی حوزه عملی از توانایی آدمی می‌پردازد. تکنولوژی در جامعه‌ی پیشا صنعتی در قالب ابزارهای ساده‌ی دستی، اهرم‌ها، چرخ‌ها و ... نمود پیدا کرد. اختراعات و اکتشافات دوره‌ی مدرن در قالب تکنولوژی بخار و برق نیرو را از عضلات آدمی به درون خود ماشین و ابزار انتقال داد. تکنولوژی به طور پیوسته پیشرفت کرد، تا جایی که انسان‌ها در انتهای قرن بیستم با استفاده از سامانه‌های مخابراتی و الکترونیکی وارد عصر اطلاعات و پیدایش تکنولوژی اطلاعات شدند. تکنولوژی اطلاعات خود را به صورت فضای سایبر در قالب ماهواره، کامپیوتر و رسانه‌های دانش محور رمزی و نمادین دیجیتالی نشان داد. داتیل بل ویژگی‌های این عصر را در قالب یازده اصل این گونه معرفی می‌کند: مرکزیت یافتن دانش نظری، آفرینش نوعی فن آوری جدید فکری، گسترش طبقه‌ی علمی، تغییر از کالاها به خدمات، تغییر در خصلت کار به صورت انسانی شدن کار، تبدیل شدن علم به آرمان ذهنی، پایگاه‌های علمی فن آوران، اداری، فرهنگی، نهادی و ارتش به مثابه واحدهای سیاسی، شایسته سالاری بر اساس تعلیم و تربیت مهارت، پایان کم یابی به جز کم یابی مربوط به اطلاعات و زمان و اقتصاد اطلاعاتی (بل، ۱۳۸۵: ۴۴۷).

تکنولوژی اطلاعات توان آدمی را در غلبه کردن بر محدودیت‌های مکانی و زمانی بالا می‌برد. روزنا نیز در این مورد می‌گوید: فن آوری الکترونیکی جدید منجر به بزرگترین بمباران مطالب دیداری و شنیداری شده، که بشر در طول تاریخ خود تجربه کرده است. این فن آوری، رویدادهای کل جهان را به سرعت در معرض توجه هر مخاطبی قرار داده است (روزنا، ۱۳۸۳: ۴۵۴). مرحله‌ی اول این تکنولوژی، الکترونیکی، رسانه‌ای، تصویری و اطلاعاتی بود. ویژگی این مرحله، ملی‌گرایی، خاص-گرایی، هزینه‌ی بالا و شیوع بسیار محدود، آن هم به صورت تک صدایی در اشکال ساده بود. مرحله‌ی دوم که بیشتر مد نظر این نوشتار است، بعد از تکامل مرحله‌ی اول، در آغاز دهه‌ی ۱۹۷۰ و شبکه‌های ماهواره‌ای جهانی ایتل ست (Intelsat) است، که از یک شبکه‌ی نوپا به شبکه‌ای تبدیل

شد که در اکثر کشورها قابل دسترسی بود. در ابتدای این دهه، ۲۴ کشور دارای ایستگاه زمینی بودند، اما در پایان آن ۱۳۵ کشور از این خدمات بهره گرفتند (همان: ۴۵۴). تکنولوژی اطلاعات با ورود کامپیوتر، انقلاب جهانی ارتباطات و پیدایش و گسترش بی سابقه ی اینترنت در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. تکنولوژی اطلاعات با امکانات مدام در حال پیشرفت خود، جهان دورافتاده، نا آگاه و مرزدار انسانها در تمام کره ی زمین را تبدیل به دهکده ای جهانی نمود. این انقلاب تکنولوژیک اطلاعاتی به سایر حوزه ها نیز کشیده شد. به عنوان مثال می توان به جهش خارق العاده و عجیب علوم زیستی و ژنتیکی اشاره کرد که تکامل آن در کنار تکنولوژی اطلاعات و یاری رساندنشان به یکدیگر، هم از جهت ارائه توانایی پوزیتیویستی به بشر برای تحلیل وقایع انسانی و طبیعی در تحلیل های سیستمی پیشرفته و هم از جهت استفاده از هوش مصنوعی (که جای انسان را نمی گیرد بلکه توانایی او را تکمیل می کند) مورد استفاده قرار می گیرد (همان: ۴۴۱). از این جهت است که اکنون افق های جدید ابزاری و امکاناتی، از حد فرصت و توانایی بالقوه فراتر رفته اند و خود زندگی، جهان زیست و تمام عرصه و دغدغه ی انسان ها را در بر گرفته اند. اهمیت تکنولوژی اطلاعات زمانی برجسته می شود، که بدانیم قبل از تکنولوژی اطلاعات در قرن هجدهم هر ۵۰ سال، اختراعات به دو برابر می رسید. این فرایند در ۱۹۵۰ به هر ۱۰ سال رسید، اما از ۱۹۷۰ به هر ۵ سال رسید (بیات، ۱۳۸۵: ۷). مدرنیته در اواخر قرن بیستم رویه ای انفجاری به خود گرفت؛ به نحوی که ۹۰ درصد از اختراعات بشر در نیم قرن گذشته شکل گرفته است. هینز در این زمینه می گوید: «تکنولوژی نیرویی است باعث تغییر». او در آغاز هزاره سوم، تکنولوژی هایی را که تعریف جدیدی از روابط اجتماعی و اقتصادی انسان ها ارائه می دهند چنین دسته بندی می کند:

۱. برنامه های جدید کامپیوتری که فرصت طلایی و غیر قابل تصویری برای شرکت ها، نهادها و دولت ها به همراه می آورد؛

۲. سیستم‌های ماهواره‌ای مانند ناب‌استار (مجموعه ۲۴ ماهواره که موقیت‌های مکانی جهان را نشان می‌دهند)، تیروس (علم شناخت فضاها‌ی ناشناخته)، اسکای‌نت (برای ارتباطات زیردریایی‌ها)، شبکه‌ی ایریدیم با ۶۶ ماهواره و شبکه ماهواره‌ای تله‌دسیک با ۸۴۰ ماهواره که تماماً برای پیش‌بینی‌های ماهواره‌ای به کار می‌رود؛

۳. اینترنت و مخابرات فضایی به همراه افزایش کاربری از طریق فیبر نوری، اطلاعات سلولی دیجیتالی شبکه‌های برتر کامپیوتری، سیستم‌های ارتباط شخصی کامپیوتری، تابلوهای شبکه‌ی اینترنت و اینترنت همین‌طور تلفن‌های همراه، پست الکترونیک و ویدئو کنفرانس در این مسیر قرار دارند؛

۴. و در آخر دستاوردهای بیوتکنولوژی و دست‌یابی به بخش‌زن‌ها که می‌تواند تغییرات گسترده‌ای را در دانش، سلامت انسان‌ها و تولیدات گوناگون نوید دهد (هینز، ۱۳۸۷: ۷-۸).

افق‌های جدید ابزاری و امکاناتی از حد فرصت و توانایی بالقوه فراتر رفته‌اند و اکنون خود زندگی، جهان زیست و تمام عرصه و دغدغه‌ی انسان‌ها - به صورت خلق تاریخ و انسان جدید - شده‌اند. اما حوزه‌ی دوم مورد استفاده در نوشتار به گونه‌ای ذهنی تر است؛ یعنی ارجاعی که به جو حاکم و غالب داده شده و به هر آنچه در شمول عملیاتی شدن و کاربردی شدن روزمره تکنولوژی اطلاعات قرار گیرد اشاره دارد و از آن به عنوان "عصر اطلاعات" یاد می‌کنیم. تکنولوژی اطلاعات از آغاز دهه هفتاد و به ویژه با اوج گرفتن از ۱۹۹۰ به بعد ما را وارد عصر جدیدی ساخته شده است که با نام‌های گوناگون می‌توان به آن اشاره کرد: عصر پسامدرن (لیوتار)، عصر اطلاعات (کاستلز)، عصر پسا صنعتی (بل)، عصر جهانی شدن (گیدنز)، عصر بیوتکنولوژی (ریفگین) و ... که ویژگی همه‌ی آنها دست‌یابی بشر به قدرت جدید اطلاعاتی، ارتباطی و کشف علوم و فنون و هنرهای استراتژیک جدید است. رسیدن به دروازه‌ی فهم پسانیوتنی و پسامکانیکی کوانتومی رویای جدیدی است که در حال اوج گرفتن است. به این ترتیب به طور خلاصه خلاصه می‌توان گفت منظور از تکنولوژی اطلاعات دو عرصه‌ی زیر است:

الف) عرصه‌ی عملی، انقلاب تکنولوژی اطلاعات از رسانه‌ها به ماهواره تلفن همراه و اینترنت و علوم

زیستی، ژنتیکی و بیوتکنولوژیکی

ب) جو، عصر و فضای حاصل از فراگیری تکنولوژی اطلاعات (عصر اطلاعات، پسامدرن،

پسا صنعتی، جهانی شدن و...)

در ادامه باید گفت واژه‌ها در استقلال خود و خلاء معنایی پوچ و متزلزل دارند. واژه‌ی تکنولوژی اطلاعات بنا به قرار گرفتن

در رویکردهای گوناگون معانی گوناگونی را به خود خواهد گرفت. از معانی واکاوی فلسفی انتزاعی پدیدارشناسی تا عینی

گرایی جامعه‌شناسانه‌ی لیبرالها و پسالیبرالها و نگرانی محافظه‌کاران و رویکرد انتقادی که این تعریف را به متن اصلی ارجاع

داده می‌شود.

## سیاست

سیاست معانی گوناگونی دارد. تولد علم سیاست همراه با مطالعه‌ی دولت و رفتار سیاسی آن بود

(عالم، ۱۳۷۳: ۲۲-۳۱) و موضوعاتی همچون مشروعیت دولت‌ها و حاکمیت ملی آنها در قالب قرارداد

اجتماعی، خلق قدرت جدید لویاتانی را محور قرار داد (های، ۱۳۸۶: ۲۷۷). با عبور از رنسانس،

انقلاب صنعتی، جنگ‌های جهانی و شکل‌گیری افکار فراملی و رسیدن به حد انفجاری آن، یعنی

انقلاب تکنولوژی اطلاعات، مطالعه‌ی قدرت و سیاست نیز دیگر تنها محدود به دولت و رفتار آن

نیست. «در مباحث قدیم هنگامی که از قدرت صحبت می‌شود، شنونده بی‌درنگ ساختار سیاسی یا

حکومت یا طبقه‌ی حاکم در مقابل برده و شیبه به این موارد را به ذهن می‌آورد، اما این به هیچ وجه

تنها شکل قدرت نیست؛ قدرت در تمام روابط انسانی وجود دارد. خواه این رابطه با زبان برقرار شود،

خواه رابطه‌ی عاشقانه باشد و خواه رابطه‌ی اقتصادی. در همه‌ی این روابط، یک طرف می‌کوشد

طرف دیگر را مهار کند و زیر فرمان بگیرد» (حقیقی، ۱۳۸۰: ۲۲۸، ۲۲۹).

با تردید در بسیاری از مبانی تجدد و زیر سوال رفتن استانداردها و توافقی‌های عقلانیت سیاسی، تعریف اینکه چه چیزی در حیطه‌ی امر سیاسی قرار می‌گیرد کار دشواری است. امروزه با مخدوش شدن حوزه‌های علوم سیاسی، فلسفه، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و ... قلمرو سیاست از زبان تا جنسیت و حتی اخلاق و حکمرانی بر خود را نیز در بر می‌گیرد. کیت نش در مقاله‌ای با عنوان "مباحثه‌ای در مورد قدرت - جامعه‌شناسی سیاسی در "عصر اطلاعات" می‌نویسد: کاستلز در تحلیل عصر اطلاعات با برگرفتن اندیشه‌های آلن تورن و دانیل بل نتوانسته است بحث قدرت را به طور کامل تحت پوشش قرار دهد. او برای این منظور، یعنی طرح جانشین‌سازی دولت - ملت، از مدل تحلیل فوکو، یعنی نوعی سیاست فرهنگی بهره می‌گیرد (Nash, 2011: 81). آرنست اندیشه را نیز دارای ماهیت سیاسی می‌داند. اندیشه در لحظات حیاتی دیگر امری در حاشیه مسائل سیاسی نیست. تاثیر رهایی بخش آن، داوری کردن، بروز استعدادهای انسان و ... همه و همه باعث می‌شود اندیشه سیاسی ترین توانایی ذهن انسان گردد (ارنست، ۱۳۸۳: ۵۹). در معنای اول سیاست می‌تواند معانی گوناگونی داشته باشد. حکم راندن بر رعیت، سیاست و داوری (کلیله و دمنه)، سرکوب امیال، حاکمیت بر نفس و تدبیر و دورانیدیشی (گلستان سعدی)، نمایش هیبت از طریق شکنجه و عذاب و عقوبت (تاریخ بیهقی) و حتی به معنی سیاست جسمانی و حفظ سلامت، جلوگیری از برهم خوردن تعادل (اخوان الصفا) (فرهادپور، مقدمه‌ی کتاب "خشونت" آگامبن، ۱۳۷۸: ۷). در نوشتار حاضر گزاره‌های زیر به عنوان مفاهیم سیاست در نظر گرفته شده است:

سیاست؛ تدبیر در باب امور عمومی جامعه، گونه‌ای مدیریت و خط مشی گزاره عمومی؛

سیاست؛ تنبیه، آگاه کردن، رهبری و هدایت جامعه، معنی لغوی رام کردن کره اسب وحشی؛

سیاست؛ شناخت علمی اندیشه‌ای قدرت داخلی، ماهیت و عملکرد دولت، کارویژه‌ها و گونه‌های

خاص دولت در عمل؛

سیاست؛ شناخت علمی اندیشه ای قدرت در محیط بین الملل، روابط بین الملل، دیپلماسی میان دولت ها و نهادهای بین المللی،

سیاست؛ نظم و امنیت داخلی و خارجی گونه ای کارویژه ی polic، جنگ و نظام اطلاعاتی و امنیتی؛

سیاست؛ سطح قدرت ریز، یعنی زبان، جنسیت، افراد و خانواده، زیرمجموعه های دولت و نیز اشکال نهادین و کلان تر قدرت؛

سیاست؛ بازی قدرت عموم و سطح قدرت آرمانی جامعه مدنی در قالب احزاب، گروه های با نفوذ و جنبش های مدنی و اجتماعی، گونه های حقوق بشر و دموکراسی و بربرطلبی های اصلاحی و انقلابی.

حال با توجه به این دامنه ی گسترده که می تواند سیاسی قلمداد شود و مورد مطالعه ی علم سیاست قرار گیرد، تحدید آن را به رویکردهای درونی پارادایم ها، واگذار می کنیم. همانطور که در رابطه با تکنولوژی اطلاعات ذکر شد، سیاست نیز به خودی خود و خارج از روایت معنای جوهری و حقیقی ندارد. سیاست در درون روایت های گوناگون معانی گوناگونی به خود می گیرد و هر رویکرد بخش خاصی از سیاست را برجسته می کند. مثلا در رویکرد فمینیستی جنسیت و زبان، در رویکرد کلاسیک دولت، ملت و جنگ، در رویکرد انتقادی سرمایه اجتماعی و علم و در پدیدارشناسی روش علمی، سیاسی قلمداد می شوند. به طور کلی در نوشتار حاضر بعضی از مواردی که مشمول مطالعات سیاسی در رویکردها قرار می گیرند، عبارتند از: دولت، جنگ، امنیت، دیپلماسی، دموکراسی، استبداد، امپراطوری، امپریالیسم، اخلاق، جنسیت، زبان، سنت، سرمایه اجتماعی، مقاومت، شورش، انقلاب، جامعه ی مدنی، حقوق بشر، مهندسی ژنتیک، تاریخ و ...

## رابطه ی تکنولوژی اطلاعات و سیاست



با توجه به روشن سازی واژه تکنولوژی اطلاعات و سیاست در هر رویکرد، نوشتار به شرح رابطه‌ی میان این دو با تاکید بر تاثیر تکنولوژی اطلاعات بر سیاست خواهد پرداخت. منطق فکر کردن در مورد رابطه‌ی تکنولوژی اطلاعات و سیاست به گونه ای است که نمی‌توان همه چیز را با هم شرح داد. هر جمله و گزاره در یک روایت، واژگان خاص خود را دارد و برای خود دارای مبانی، کارکردها و اصولی است، و در سراسر نوشتار این دغدغه "جای خود بودن" حاکم است. تمام گزاره‌های زیر با یکدیگر، در مورد رابطه‌ی تکنولوژی اطلاعات با سیاست گفته می‌شود:

- تکنولوژی اطلاعات باعث گسترش دموکراسی و جامعه‌ی مدنی، به صورت بالا بردن آگاهی عمومی و شعور سیاسی اجتماعی شهروندان می‌شود.
- در مدل دولت رفاهی تکنولوژی اطلاعات سیاست گذاری عمومی را به صورت تحلیل‌های دقیق، کارآمد و سیستمی به بالاترین حد مطلوبیت خویش می‌رساند.
- تکنولوژی اطلاعات باعث افزایش توان دولت‌ها در حفظ اطلاعات امنیتی و همین طور ایجاد کردن سامانه‌های جنگی اطلاعاتی می‌شود.
- تکنولوژی اطلاعات باعث می‌شود مقاومت‌ها در برابر جهانی شدن گسترده تر و کارآمد تر گردد و تمام به حاشیه رفته‌ها امکان مبارزه پیدا کنند.
- تکنولوژی اطلاعات صلح، تساهل و دموکراسی و آزادی جهانی را در پرتو اصل شهروند جهانی ممکن خواهد کرد.
- تکنولوژی اطلاعات باعث گسترش علوم ژنتیکی و افزایش طول عمر انسانها و خلق مفاهیم جدید و ایجاد تاریخ پسا انسانی می‌گردد.
- تکنولوژی اطلاعات هر فرد را به عدد و رقمی تبدیل خواهد کرد، که زندان برنامه ریزی‌های دولتی می‌گردد.

- تکنولوژی اطلاعات با حمایت و تبلیغات کشورهای پدیدآورنده‌ی آن، مذهب، سنت، آداب و رسوم دیگر کشورها را نابود می‌کند.
- تکنولوژی اطلاعات، تقدس و احترام سیاسی کشورها را با نابودی نمادها و ارزشها و زیر سوال بردن اخلاق سیاسی شان کم رنگ خواهد کرد.
- تکنولوژی اطلاعات جامعه‌ی مدنی را نابود می‌سازد و آن را تبدیل به عرصه‌ی توهمی، روزمره، بی خطر، غیر انتقادی و خنده دار می‌کند.
- تکنولوژی اطلاعات شهروند جهانی و برابری جهانی را با گسترش و فراگیر کردن حقوق بشر به همراه می‌آورد.
- تکنولوژی اطلاعات با ایجاد دموکراسی و دیپلماسی دیجیتالی جنگ را در سطح بین الملل کم رنگ می‌کند.
- تکنولوژی اطلاعات مرزهای دولت‌های ملی را کم رنگ می‌ساخته و حکومت واحد جهانی با استانداردهای بین المللی خلق خواهد کرد.
- تکنولوژی اطلاعات با تمرکز بر علم، دانش، تخصص و اطلاعات خطر قطبی شدن و ایجاد جنگ‌های بزرگ، دائمی جهانی را زیاد می‌سازد.
- تکنولوژی اطلاعات حساسیت انسان‌ها نسبت به اطرافشان را کاهش داده و همه امور را تبدیل به بازنمایی‌های غیر واقعی می‌نماید.
- در رابطه‌ی تکنولوژی اطلاعات و سیاست این گزاره‌ها و هزاران گزاره‌ی دیگر اگر دقت نشود به تناقض گویی کشیده می‌شود. در ترتیب دادن این نوشتار رعایت کامل اصل در جای خود بودگی بسیار مشکل بود، چرا که یک حالت واگرایی و گریز میان موضوعات مختلف با یکدیگر و نیز میان موضوعات و متن وجود داشت. اما کمک گرفتن از چندین رشته و ایجاد قالب‌های رایج فکر سیاسی به همراه گزاره‌های اصلی متفکران هر پارادایم، مشکل را کم رنگ تر ساخت. هر نام نهی و برجسته

سازی در یک رویکرد خاص صورت می‌گیرد و کلمه‌ها در پرتو فضاهاى فکری که در آنها قرار می‌گیرند، بار معنایی خود را بدست می‌آورد و تعریف نوسانی و پوچ خویش را از دست می‌دهند. هر رویکرد در درون هر پارادایم، متفکران بزرگی را در خود جای داده است که عمری را بر خلق چند واژه گذارده‌اند. آنان یا آنقدر خلاق و زیرک بوده‌اند که عصر خویش را با ابتکار تغییر داده‌اند و یا به بهترین وجه آئینه دوران و فرزند زمان خویش هستند.

## روش شناسی:

"وقتی این ظن در ما ایجاد شود که آن هیولای علمی، که از درون میکروسکوپ تحلیلی به ما خیره شده است، چشم خود ماست چه اتفاقی خواهد افتاد؟" (هوی، ۱۳۸۵: ۱۳۴)

سوال اصلی منطق فکر کردن در پیرامون رابطه تکنولوژی اطلاعات و سیاست است. همگونی ساختار متن به لحاظ محتوایی به صورت برجسته کردن میانه علم و فلسفه یعنی فلسفه‌ی سیاسی است. نحوه‌ی گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و رجوع به متفکران جامعه شناس و فیلسوفان سیاسی در مرحله اول و بعد فیزیکدانان، پزشکان و عالمان علوم ارتباطات، سیاست، مدیریت و اقتصاد ... است. اما روش شناسی (یعنی ظاهر علمی و یکنواختی ساختاری، پرداختن بدون تناقض به موضوع) نوشتار برگرفته از روش تحلیل پارادایم، ابتکار جدید و روش شناسی انتقادی توماس کوهن در بررسی پارادایمی و ارایه روش پارادایمی برای تاریخ علم و بررسی پدیده‌های دیگر است. پارادایم به معنی مجموعه‌ی ویژه‌ای از باورها و پیش فرض هاست (Kuhn, 1970: 17). به بیان دیگر، پارادایم شامل مجموعه‌ای از تعهدات متافیزیکی نظری و ابزاری می‌شود (Kuhn, 1977: 294). پارادایم در واقع یک جو علمی جمعی است که در هر دوره‌ای ایجاد می‌گردد و دانشمندان واژه‌ها، کلام و گزاره‌های خویش را با آن معنا می‌کنند. از سوی دیگر معیار حقیقت علمی در همان اصول بدیهی انگاشته شده‌ی جمعی وجود دارد. هر پارادایم یک زیست فکری است. ممکن است آنچه در یک پارادایم

اردک دیده می‌شود، در پارادایم دیگر خرگوش باشد (Kuhn, ۱۹۷۰: ۱۱۱). پارادایم‌ها قابل مقایسه با یکدیگر نیستند (Ibid: ۱۱۲)؛ چرا که جهان‌هایشان با یکدیگر متفاوت می‌باشد. البته در علوم طبیعی و علمی که با طبیعت دارای شعور اختیاری کمتر سرو کار دارد، پارادایم‌ها حالتی یکسان، یک دست و از نظر کمی محدودتر هستند (مردیها، ۱۳۷۹)، اما هر چه به سمت پدیده‌های دارای شعور اختیاری یعنی عرصه‌های انسانی حرکت کنیم، همانند پزشکی، روانشناسی، فلسفه، مذهب، سیاست و... پارادایم‌ها پراکنده‌تر و دارای اختلاف بیشتری می‌شوند، به گونه‌ای که چندین پارادایم زنده در یک زمان، با وجود تناقض ساختاری در کنار یکدیگر وجود دارد. روش‌شناسی پارادایمی، از نسبی‌گرایی فلسفه علم و گونه‌هایی که معرفت علمی را منتفی می‌دانند و یا آن را زاییده‌ی اکتشافات و تصادفات خوابگردی قلمداد می‌کنند (به عنوان مثال کوستلر، ۱۳۵۱: ۱۱) و یا اینکه گرایش‌های ضد علم دارند و به دنبال ساختارهای بنیادین محدودیت‌آفرین و رسواکننده‌ی دانشمندان با هر ابزاری هستند (Feyerabend, ۱۹۷۵: ۱۵۹) دوری می‌کند؛ چرا که در پارادایم دست‌یابی به حقیقت دغدغه‌ی اصلی است و به گفته‌ی کوهن: "در گزینش میان پارادایم‌ها هیچ میزانی بالاتر از توافق جامعه‌ی علمی مربوطه وجود ندارد" (Kuhn, ۱۹۷۰: ۹۴).

نبودن زبان مشترک میان پارادایم‌ها (Ibid: ۱۲۷) محاسن و معایب بسیاری دارد. به دلیل موضوع بسیار متکثر، پراکنده و ژله‌ای مانند نوشتار حاضر، تفاوت‌های اساسی در فلسفه‌های سیاسی موجود در بررسی رویدادها و ذات متحرک، اثرگذار و مدام در حال نوسان سیاست و تکنولوژی اطلاعات استفاده از روش پارادایمی را برگزیدم. در این روش هدف این است که متن را که نتیجه‌ی گفتگوست و در اثر نوعی انتظار هدایت می‌شود تا معنایش زاده شود (هوی، ۱۳۸۵: ۳۰۸) جلودار قرار